



اخلاق زیست محیطی در اسلام

ماویل عزالدین
مترجم: محسن حدادی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اشاره: ماویل عزالدین، استادیار دانشگاه شه عبدالعزیز جدو و مشاور مرکز علوم و تکنولوژی عربستان سعودی است. وی یکی از نویسندگان کتاب 'اصول اسلامی حفاظت از طبیعت' است. عزالدین این دیدگاه را مطرح می‌کند که پایه‌های نظری حفاظت از محیط زیست در اسلام بر این عقیده استوار است که خداوند جهان را خلق کرده و انسان را در آن قرار داده است تا از آن لذت ببرد و به درستی از آن استفاده کند. به تصریح وی اسلام چگونگی برقراری توازن زیست محیطی و حفاظت پایدار از زیست-بوم را تشریح و ترویج کرده است. هر چند ممکن است پاره‌ای از نظرات این نویسنده سنی مذهب با عقاید و اصول شیعی، همخوانی نداشته باشد، مطالعه آرای وی به‌عنوان اندیشمندی مسلمان که خود سال‌ها در عرصه حفظ محیط زیست فعالیت کرده است، سودمند خواهد بود.

انسان است- اشاره می‌کند. دلایل اخلاقی و شرعی برای حفاظت از محیط زیست را می‌توان این‌گونه خلاصه کرد:

نخست: محیط زیست آفریده خداوند است و حفاظت از آن، پاسداری از ارزش‌های این مخلوق به مثابه نشانه و آیهای از عظمت آفریدگار است.

درباره آیاتی که اجزای مختلف طبیعت را خدمتگزار انسان معرفی می‌کنند مؤید این مطلب است:

'با مطالعه همه آیات درمی‌یابیم که خدا در کمال حکمت خود این موجودات را برای اهدافی غیر از خدمت به انسان آفریده است. بنابراین خداوند در این آیات تنها به بخشی از منافع این موجودات- که برای

در اسلام حفاظت از محیط زیست، بر این اصل مبتنی است که خلوند همه موجودات زنده- با نقش‌ها و کارکردهای مختلف- را با ظرافت و دقت بسیار خلق کرده است و اگرچه یکی از وظایف آنها خدمت به انسان است، تنها به این منظور آفریده نشده‌اند. تفسیر دانشمندان مسلمان قرون وسطی، آبن تیمیه،

تصور اینکه تنها دلیل برای حفظ محیط زیست، نفع رساندن آن به انسان است، می تواند به استفاده نادرست و یا تخریب آن بینجامد.

دوم: اجزای تشکیل دهنده طبیعت دائماً در حال تسبیح و ستایش خالق خود هستند. ممکن است انسان ها چگونگی و نوع این عبادت را در نیابند، اما این حقیقت، که قرآن هم آن را تأیید می کند، دلیل دیگری بر لزوم حفظ محیط زیست است: "آسمان های هفت گانه، زمین و هر چه در آنهاست خدا را به پاکی یاد می کنند و هیچ موجودی نیست مگر آنکه به ستایش و تنزیه او مشغول است، ولی شما تسبیح آنها را در نمی یابید. به راستی که او بردبار و آمرزنده است." [۱۷:۴۴]

سوم: همه قوانین طبیعت توسط خالق وضع شده و مبتنی بر تداوم و بقای وجودند. گاه ممکن است خداوند چیز دیگری اراده کند، اما آنچه که روی می دهد، براساس قانون طبیعی خداوند (سنت الهی) است، انسان ها باید آن را به مثابه مشیت خداوند بپذیرند و از هرگونه تلاش در جهت شکستن قانون الهی دست بردارند. قرآن می فرماید: "آیا ندیدی که آنچه در آسمان ها و زمین است و نیز خورشید و ماه و ستارگان و کوه ها و درختان و جنبندگان و بسیاری از مردم، بر خدا سجده می کنند و بسیاری نیز هستند که فرمان عذاب درباره آنها حتمی است و هر که را خدا خوار کند کسی او را گرامی نخواهد داشت. خدا هر چه بخواهد انجام می دهد." [۲۲:۱۸]

چهارم: این سخن قرآن که جامعه انسانی تنها اجتماع زنده در جهان نیست: "و هیچ جنبنده ای در زمین نیست و هیچ پرندۀ ای با دو بال خود پرواز نمی کند؛ مگر اینکه امت هایی مانند شما هستند، ما در این کتاب [لوح محفوظ] هیچ چیز را فروگذار نکرده ایم، سپس به سوی پروردگارتان محشور خواهند شد" [۶:۳۸]، به این معناست که در عین حال که ممکن است انسان ها بر دیگر "مخلوقات" برتری داشته باشند، اما این مخلوقات، جاندار و همانند انسان شایسته احترام و بقا هستند. پیامبر اسلام، همه موجودات زنده را شایسته محافظت (حرمت) و رفتار ملاطفت آمیز می دانست. یکبار از ایشان پرسیدند که آیا خداوند در برابر مهربانی یا حیوانات نیز به انسان ها پاداش می دهد؟ پاسخ ایشان صریح و روشن بود: "برای رفتار خیرخواهانه با هر مخلوقی که قلبی تپنده در بدن دارد، پاداشی وجود دارد." این حجره، این حدیث را اینچنین شرح می کند که تپندگی نشانه حیات است و بنابراین خیرخواهی باید به همه موجودات تسری یابد، اگرچه در صورت اجبار به انتخاب کردن، انسان ها بیشتر شایسته

خیرخواهی اند.

پنجم: اخلاق زیست محیطی اسلامی براساس این مفهوم بنا شده که همه روابط انسانی برپایه عدل و احسان استوار است: "در حقیقت خدا به دادگری نیکوکاری و بخشش به نزدیکان فرمان می دهد و از کار زشت، ناپسند و ستم بازمی دارد. به شما پند می دهد، باشد که متذکر شوید." [۱۶:۹۰]

سنت نبوی، کسب منفعت از حیوانات به قیمت آزار رساندن به آنها را محدود کرده است. پیامبر چنین می فرماید: "خداوند در همه چیز دعوت به انصاف و احسان فرموده است. پس اگر ذبح می کنید، به خوبی ذبح کنید و اگر قربانی می کنید با دقت قربانی کنید. باید هنگام ذبح چاقوی خود را تیز کنید و مانع رنج کشیدن حیوان شوید."

ششم: توازن جهان که توسط خداوند برقرار شده است باید پابرجا بماند، زیرا: "خدا آنچه را که هر ماده ای به آن باردار می شود و آنچه را که رحمها کم یا افزون می کنند می داند و همه چیز در علم ازلی خدا معین است." [۱۳:۸]

همچنین: "و هیچ چیز نیست مگر آنکه گنجینه های آن نزد ماست و ما آن را جز به اندازه ای معین فرو نمی فرستیم." [۱۵:۲۱]

هفتم: محیط زیست فقط در خدمت نسل فعلی نیست، بلکه هدیه خداوند برای همه زمان هاست. از معنای آیه بیست و نهم سوره بقره می توان این حقیقت را دریافت: "او خدایی است که همه موجودات روی زمین را برای شما آفرید و سپس به آفرینش آسمان پرداخت و هفت آسمان را استوار کرد. او به همه چیز داناست." کلمه "شما" آن گونه که در اینجا به کار رفته است، به همه انسان ها بدون محدودیت زمانی و مکانی اشاره می کند.

سرانجام اینکه هیچ مخلوق دیگری بجز انسان نمی تواند وظیفه محافظت از محیط زیست را انجام دهد. خداوند خلافت خود را به انسان ها محول کرده است و هیچ موجود دیگری نمی تواند این وظیفه سنگین را به انجام رساند:

"ما امانت [الهی و بارتکلیف] را بر آسمان ها، زمین و کوه ها عرضه کردیم، از تحمل آن سرباز زدند و هراسناک شدند. اما انسان آن را برعهده گرفت؛ به راستی او ستمگر و نادان بود." [۳۳:۷۲]

جامعیت اخلاق اسلامی

اخلاقیات اسلامی برپایه دو اصل فطرت انسان و شریعت اسلامی بنا شده است. نخستین آنها یعنی فطرت، توسط خداوند و به هنگام خلقت در روح انسان به ودیعه گذاشته شده است: "سوگند به روح آدمی و آن گس که به اعتدال آن را آفرید، سپس پلیدکاری و پرهیزگاری اش را به او الهام

کرد." [۸-۷:۹۱]

انسان یا داشتن غریزه طبیعی "فطرت" می تواند - حداقل تا حدودی - نه تنها خوب و بد که مسائل خنثی را نیز - که نه خیر هستند و نه شر - تشخیص دهد. با این حال، وجدان اخلاقی یک راهنمای فردی کامل نیست و به علت پیچیدگی های زندگی، وجدان به تنهایی نمی تواند راه حل صحیح همه مسائل را ارائه دهد. به علاوه انسان در خلأ زندگی نمی کند، بلکه تحت تأثیر عوامل خارجی هم قرار دارد که گاه این عوامل، توانایی گزینش و انتخاب بین خیر و شر را در انسان از بین می برند. عوامل خارجی شامل آداب و رسوم، علائق شخصی، عقاید و تصورات رایج درباره محیط اطراف انسان است.

زمینه های دینی و شرعی که اخلاقیات اسلامی برپایه آن بنا شده، توسط پیامبران الهی عرضه شده است. پیامبران دارای سرشتی مخصوص بودند و از آنجا که خداوند به آنها وحی می کرد، می توانستند از تأثیر عوامل خارجی که بر دیگر انسان ها تأثیر می گذارد، ایمن باشند.

آموزه های شرعی در اسلام، وجدان انسان ها را وادار به اطاعت بی چون و چرا نمی کند. برعکس این تعالیم چنان نازل شده اند که وجدان، آنها را تأیید و تصدیق می کند. بنابراین شریعت، خود بخشی از وجدان انسانی است و این امر اجرا و موفقیت آن را تضمین می کند.

قوانین بیگانه با ذات انسان نمی توانند موفقیت آمیز باشند، زیرا اگرچه از نظر قانونی الزام آورند، از بعد وجدانی نمی توانند تعهدی ایجاد کنند. مسلمانان آزادانه زکات می پردازند، زیرا می دانند که اگر چنین نکنند، هم از نظر شرعی و هم از نظر وجدانی مسؤو لند. گریز انسان ها از پرداختن آنچه که معین شده و عواقب قانونی آن، باعث نمی شود که از پیامدهای اخلاقی آن، رهایی یابند و آنها از این حقیقت آگاهند. شکارچی مسلمان ممکن است بتواند به یک فیل شلیک کند و او را از پای درآورد و از دید شکاربانان هم مخفی بماند، اما اگر اصول اسلامی حفظ محیط زیست فراگیر شود - می داند که هرگز از حوزه نظارت دائمی خداوند خارج نیست. فرد مسلمان می داند که ارزش های اسلامی برپایه اموری بنا شده که منطبق بر خواست خداوند است و از مؤمنان انتظار می رود آنها را مراعات کنند. "و چون برگردد [یا ریاستی یابد] کوشش می کند بر زمین فساد کند و کشت و نسل را نابود کند. خداوند تباہکاری را دوست ندارد." [۲:۲۰۵]

وقتی سلیمان نبی و لشکر او نزدیک بود ناخودآگاه لانه گروهی از مورچگان را تخریب کنند، یکی از مورچه ها به دیگران هشدار داد و آنها را از خطر آگاه

کرد. وقتی سلیمان سخن آن مورچه را شنید، از خداوند خواست که به وی حکمت و دانشی عطا کند که بتواند کارهای درستی را که او می‌خواهد، انجام دهد. سلیمان آشکارا با مسأله‌ای زیست‌محیطی روبه‌رو شد و نیاز به یک تصمیم‌گیری اخلاقی داشته بنابراین از خداوند طلب هدایت کرد: "چون به وادی مورچگان رسیدند، مورچه‌ای گفت: ای مورچگان، به لانه‌های خود داخل شوید، میادا سلیمان و سپاهیان‌ش ندانسته شما را پایمال کنند. * [سلیمان] از گفته او لیخن زد و گفت: پروردگارا، در دلم افکن تا نعمتی را که به من و پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای سپاس گویم و به کار شایسته‌ای که آن را می‌پسندی بپردازم و مرا به رحمت خویش در میان بزرگان شایسته‌ات داخل کن. [۱۹-۱۸: ۲۷]

اخلاقیات در اسلام بر یک دسته ارزش‌های پراکنده و جدا از هم بنا نشده، بلکه هر یک از فضایل در اسلام بخشی از راه و روش کلی زندگی است که همه اعمال انسان‌ها را تنظیم و هدایت می‌کند. صداقت، فضیلتی اخلاقی است همچون پاسداری از حیات، محافظت از محیط زیست و تداوم بخشیدن به بقای آن در محدوده‌ای که خداوند امر فرموده است. وقتی از عایشه همسر پیامبر در مورد اخلاق ایشان پرسیدند، گفت: اخلاق او کل قرآن است. در قرآن اصول سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در کنار دستورات الهی برای آبادی و حفاظت از زمین وجود دارد. ارزش‌های اخلاقی اسلام همچون نظریه "ارسطو" تنها بر عقل انسان بنا نشده‌اند و آن گونه که "دورکهایم" می‌گوید تنها بر شرایطی که اجتماع بر فرد تحمیل می‌کند، اتکا ندارند، نیز برخلاف عقیده مارکسیست‌ها، بر منافع یک طبقه خاص پایه‌ریزی نشده‌اند. در هر یک از نظریه‌های فوق، ارزش‌ها تحت تأثیر شرایطند. در اسلام اعتقاد بر این است که فضایل باید بر معیارهایی دقیق استوار باشد و با زمان و مکان تغییر نیابد. ارزش‌های اسلامی آنهایی است که بدون وجود آنها نه انسان‌ها دوام و بقا خواهند داشت و نه محیط زیست.

رابطه انسان با محیط زیست

همان‌طور که اشاره شد، در ایمان اسلامی، رابطه فرد با محیط زیست، تحت ضوابط اخلاقی خاصی است. این ضوابط، از آفرینش انسان توسط خداوند و نقشی که به او در زمین محول شده، ناشی می‌شود. جهان با همه اجزای گوناگون آن توسط خدا آفریده شده و انسان بخش اساسی خلقت متوازن الهی است، اما نقش انسان، تنها لذت بردن، استفاده کردن و سود جستن از محیط اطراف نیست. از انسان‌ها انتظار می‌رود که موجودات دیگر را

حفظ و حمایت کنند و در بهبود وضع آنها بکوشند. حضرت محمد(ص) فرمود: "همه موجودات، بستگان خدایند و بهترین آنها سودمندترین ایشان برای بستگان اوست." پیامبر خود را در برابر درختان، حیوانات و همه موجودات طبیعی مسؤول می‌دانست، چنانکه فرمود: "تنها دلایلی که باعث شده خداوند بر شما عذاب نازل نکند سه چیز است: سالخورده‌گان، کودکان شیرخوار و حیواناتی که زمین‌های شما را شخم می‌زنند." رسول خدا هنگام خشکسالی و آن‌گاه که به ایشان گفتند آب کم شده است، درختان از بی‌آبی در عذاب و حیوانات در حال مرگند، دست به دعا بلند کرد و از خداوند خواست از سر رحمت، بر مخلوقات خویش باران نازل فرماید.

رابطه انسان‌ها با محیط زیست علاوه بر بهره‌گیری، جنبه‌های متعدد دیگری هم دارد. آباد ساختن و عمران نخستین جنبه است. به علاوه این رابطه، شامل تفکر، تأمل و لذت بردن از زیبایی‌های آن نیز می‌شود. ابن عباس درباره حضرت محمد به عنوان کامل‌ترین انسان مسلمان می‌گوید که ایشان از تماشای منظره گیاهان سرسبز و آب‌های روان لذت می‌برد. هنگام مطالعه آیات قرآنی مربوط به زمین، نشانه‌های روشنی از این حقیقت را درمی‌یابیم که زمین در آغاز برای انسان‌ها محل صلح و آرامش بوده است: "ایا آنکه زمین را قرارگاهی ساخت و در آن رودها پدید آورد و کوه‌های پابرجا برافراشت و میان دو دریا برزخی گذاشت، معبودی به همراه دارد؟ حقا که بیشتر آنها نمی‌دانستند." [۲۷:۶۱] زمین در خلقت انسان نقش مهمی دارد. انسان‌ها از دو عامل زمینی آفریده شده‌اند: آب و خاک: "خداوند شما را همچون گیاهی از زمین رویاند * سپس به همان زمین باز می‌گرداند و دیگر بار بیرون می‌آورد، بیرون آوردنی [عجیب] * و خدا زمین را برای شما گسترده * تا از راه‌های پهناور آن رفت و آمد کنید." [۲۰-۱۷: ۷۱]

کلمه "ارض" مجموعاً ۴۸۵ بار در قرآن به کار رفته که ملاک روشنی از اهمیت آن در قرآن است. زمین به‌عنوان فرمانبردار و خدمتگزار انسان‌ها توصیف شده است: "اوست که زمین را برای شما رام کرد، پس در فراخانی آن بگردید و روزی او را بخورید و بازگشت همه به سوی اوست." [۱۵: ۶۷] حتی مهمتر از آن، اسلام زمین را منبع پاک‌ی و مکانی برای عبادت خداوند دانسته است. پیامبر اکرم فرمود: "زمین برای من (و مسلمانان) جایی برای عبادت (مسجد) و عملی برای طهارت است." این به آن معناست که اگر آب در دسترس نباشد، باید

از خاک برای تیمم استفاده کرد. ابن عمر از پیامبر روایت می‌کند که می‌فرماید: "خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد، مهربان است و محبت را دوست دارد و پاک است و پاکی را دوست دارد." بنابراین عجیب نیست که موضع اسلام نسبت به محیط زیست این است که انسان‌ها باید واسطه حفاظت از زمین باشند و نباید در مقابل تخریب آن بی‌تفاوت بمانند. زمین منبع رحمت و برکت است. پیامبر می‌فرماید: "بعضی درختان مانند درخت نخل همچون فرد مسلمان متبرک هستند."

حفاظت پایدار از طبیعت

اسلام، استفاده از محیط زیست را مجاز می‌داند، اما این امر نباید مستلزم تخریب بی‌دلیل آن باشد. خداوند مؤمنان را از اسراف نهی می‌فرماید: "ای فرزندان آدم هنگام عبادت زیورهای شایسته به خود برگزید و از نعمت‌های خدا بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید که خدا اسرافکاران را دوست ندارد." [۳۱: ۷] در این آیه خوردن و آشامیدن نماد استفاده از منابع حیات است که طبق تعالیم اسلام نمی‌تواند بی‌حد و مرز باشد. باید از عوامل حیاتی حفاظت شود تا استفاده از آن به‌گونه‌ای پایدار تداوم یابد، اما حتی حفاظت هم باید نوع‌دوستانه باشد و فقط به‌منظور سودجویی صورت نگیرد. پیامبر اکرم فرمود: "در زندگی چنان عمل کنید که گویی برای همیشه زنده خواهید بود و برای آخرت خود چنان کار کنید که گویی فردا از دنیا می‌روید." این اعمال نباید محدود به اموری شود که مستقیماً به انسان سود می‌رساند. حتی اگر قیامت نزدیک باشد، انسان‌ها باید به کارهای خیر خود ادامه دهند. حضرت محمد (ص) فرمود: "آن‌گاه که قیامت فرا رسد اگر کسی نهال خرمايي در دست داشته باشد باید آن را بکارد." ابن حدیث، عصاره اخلاقیات زیست‌محیطی اسلام است. حتی وقتی هیچ امیدی وجود ندارد، درختکاری باید ادامه یابد، زیرا فی‌نفسه عملی خیر است. کاشتن نهال، حافظ ادامه حیات است، حتی اگر هیچ سودی از آن به دست نیاید. از این نظر، انسان مسلمان همچون سربازی است که تا آخرین گلوله می‌جنگد.

نظریه استفاده پایدار از نظام طبیعت را می‌توان از این سخن قرآن دریافت که زندگی با برقراری توازن معین در هر چیز تداوم می‌یابد. "خدا آنچه را که هر ماده‌ای به آن باردار می‌شود و آنچه را که رحم‌ها کم یا افزون می‌کنند می‌داند و همه چیز در علم ازلی خدا معین است." [۸: ۱۳] همچنین: "آنکه فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آن اوست فرزندی برنگزیده است و در فرمانروایی شریکی

ندارد همه چیز را آفریده و (به بهترین نحو) اندازه‌گیری کرده است. [۲۵:۲]

انسان‌ها مالک جهان نیستند، بلکه حافظ تداوم نظم معینی هستند که خداوند برای آنها و برای حیواناتی که با آنها زندگی می‌کنند، مقرر فرموده است: "آن‌گاه زمین را بگسترده* آب و چراگاه از آن بیرون آورد* و کوه‌ها را استوار و پابرجا قرار داد* برای بهره‌مند شدن شما و چهارپایانتان." [۳۳-۳۰: ۷۹] قرآن در ادامه می‌فرماید: "پس چون آن واقعه بزرگ پدید آید* انسان اعمالش را به یاد آورد." [۳۵-۳۴: ۷۹]

تعجب‌آور نیست که این آیات، بیان ظریفی است از توسعه پایدار یعنی همان وظیفه‌ای که انسان‌ها باید تا زمان کوچ از منزل دنیایی خود، آن را برعهده گیرند.

"سیدقطب" در تفسیر این آیات می‌گوید: قرآن با اشاره به منشأ حقیقت محض (خداوند)، از عبارات متناظر بسیاری استفاده کرده است مانند: ساختن آسمان‌ها، تاریک کردن شب، پیدایش انسان‌ها، وسیع کردن زمین، به‌وجود آوردن آب و گیاهان و استوار قراردادن کوه‌ها. همه اینها برای انسان‌ها و حیوانات به خواست خداوند آفریده شده‌اند و نشانه‌های آشکاری از ظرافت و حسابگری در کار خلقت هستند. وی می‌افزاید: هر بخش از نظام خلقت الهی، به دقت با دیگر اعضای مجموعه آفرینش- که به وجود خداوند و روز جزا و پاداش گواهی می‌دهند- هماهنگ شده است.

به این ترتیب آیا انسان موظف نیست که دلایل وجود خداوند را حفظ کند؟ آیا تخریب محیط زیست، نابودی مخلوقاتی نیست که به عظمت خداوند گواهی می‌دهند؟

مفهوم توجه پایدار به همه جوانب محیط زیست، با مفهوم خیرخواهی در اسلام مناسبت دارد، زیرا نیکوکاری تنها برای نسل فعلی نیست بلکه برای آیندگان نیز هست. درباره "عمر بن خطاب" -صحابی معروف پیامبر- داستانی نقل شده است: او روزی پیرمردی - خزیمه بن ثابت- را دید که زمین خود را رها کرده بود. عمر از او پرسید چه چیز مانع کشاورزی تو شده است. خزیمه گفت که دیگر پیر شده و منتظر است به‌زودی مرگش فرارسد. عمر اصرار کرد که او در زمین خود کشت و کار کند. پسر خزیمه -راوی داستان- می‌گوید که پدرش به همراه عمر، زمین را آباد کردند. این واقعه نشان می‌دهد که چگونه اسلام مسلمانان را به کشاورزی و آبادی دائمی تشویق می‌کند و بر این امر تأکید دارد که نباید از زمین استفاده کرد و سپس به این دلیل که سودی از آن به‌دست نمی‌آید، آن را به

حال خود وانهاد.

در اسلام، شریعت و اخلاقیات دو بخش پیوسته از یک جهان‌بینی منسجم هستند و هنگام حفاظت از محیط زیست باید به این مسأله به عنوان زیربنای همه امور توجه شود. مسلمانانی که در نقاط مختلف جهان زندگی می‌کنند، ممکن است از نظر آداب و رسوم محلی با هم اختلافاتی داشته باشند، اما در ایمان به خداوند و نگرش به مسائل اساسی زندگی، بسیار متحد هستند.

اسلام، دین تسلیم در برابر خداوند است. زمین و همه ساکنان آن توسط خداوند خلق شده و تحت‌فرمان او هستند. همه مسلمانان، نمازهای پنجگانه خود را با کلمات مشترکی از قرآن آغاز می‌کنند: "ستایش و حمد (تنها) خداوندی را سزاست که پروردگار جهانیان است" [۱:۱] این نخستین آیه‌های قرآن نه تنها پرکاربردترین، بلکه محبوب‌ترین کلمات برای مسلمانان جهان است. "این کثیر" همچون بسیاری از مفسران معتقد است کلمه "عالمین" به موجوداتی اشاره دارد که در آسمان، زمین و دریا زندگی می‌کنند. مسلمانان خود را به خدایی تسلیم می‌کنند که آنها و دیگر عوالم را آفریده است. همین مفسر می‌افزاید: معنای ثانویه این آیه تسلیم مسلمانان به نشانه‌ها و آیات وجود و توحید خالق است، زیرا "عالمین" - به معنای جهان‌ها- ریشه مشترکی با "عالمین" دارد- هر دو از ریشه "ع ل م" گرفته شده‌اند- پس جهان‌ها علامت وجود خالق هستند.

بنابراین فرد مسلمان، رابطه ویژه‌ای با جهان‌هایی که امروزه با نام محیط زیست شناخته شده‌اند، دارد. درواقع، این حقیقت که این جهان‌ها وجود دارد و خالق همه آنها یکی است، به آن معناست که آنها با هم مرتبط و متحدند و هر یک بخشی از نظام کامل هستی به‌شمار می‌روند. هیچ نزاعی نباید بین آنها وجود داشته باشد، بلکه باید همچون اعضای یک مجموعه در هماهنگی کامل باشند. همزیستی آنها را می‌توان به یک شاهکار معماری تشبیه کرد که در آن هر جزء در خدمت تکمیل ساختار کلی بناست.

اجرای اخلاقیات زیست محیطی اسلام
اسلام همواره تأثیر فراوانی بر شکل‌گیری جوامع مسلمان و سیاست‌گذاری‌های حکومت‌های اسلامی داشته است. سیاست زیست‌محیطی کشورهای اسلامی نیز تحت تأثیر اسلام بوده و این تأثیرگذاری در سرتاسر تاریخ اسلام به چشم می‌خورد. مفهوم "حما" به معنای حفاظت از مناطق خاص، از زمان پیامبر (ص) وجود داشته است. براساس این قانون حاکم و حکومت اسلامی موظفند از بعضی مناطق خاص و دست‌نخورده حمایت و

حفاظت کنند. هیچ‌کس نمی‌تواند در این نقاط، بنایی بسازد یا به هر نحو دیگری از آن بهره‌برداری کند. مذهب مالکی شرایط اجرای قانون "حما" را اینچنین اعلام کرده است:

نخست، نیاز عامه مسلمانان به حفاظت از مناطق بکر. بنابراین حفاظت از این مناطق به اشخاص متنفذ و قدرتمند، واگذار نمی‌شود مگر در صورت نیاز عمومی.

دوم: مناطق حفاظت شده باید به‌منظور جلوگیری از به‌سختی افتادن سایر مردم، محدود شود.

سوم: در مناطق حفاظت شده نباید ساخت و ساز و یا کشت صورت گیرد.

چهارم: از آنجا که هدف از این حفاظت، رفاه مردم است، می‌توان برای مواردی چون چرای محدود حیوانات متعلق به افراد فقیر، از این مناطق استفاده کرد.

قانون حما هنوز در بعضی کشورها مانند عربستان سعودی توسط دولت و برای حفظ حیات وحش به کار می‌رود و به شکلی غیررسمی از سوی بعضی قبایل بدوی همچون یک سنت یا رسم اجدادی رعایت می‌شود.

"حریم"، قانون دیرپایی دیگری است که می‌توان ردپای آن را در زمان پیامبر اکرم جست‌وجو کرد و آن عبارت است از یک منطقه حفاظت شده که بجز موارد خاص و با اجازه دولت نمی‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. حریم معمولاً در ارتباط با چاه‌ها، چشمه‌های طبیعی، کانال‌های آب زیرزمینی، رودخانه‌ها و درختان کاشته شده در زمین‌های موات مطرح می‌شود.

در حال حاضر نقش اسلام در حفظ محیط زیست را می‌توان در شکل‌گیری سازمان‌های مختلف اسلامی و تأکیدی که بر این دین به‌عنوان مبنای حفظ محیط زیست می‌شود، مشاهده کرد.

در پایان باید گفت که اخلاقیات جدید- که برای حفظ محیط زیست ضروری و مورد تأکید برنامه‌های جهانی است- باید بر مبنای استوار بنا شود. مشارکت عموم مردم در سیاست‌های حفاظتی به‌تنهایی کافی نیست، بلکه باید اخلاق عمومی را هم ارتقا بخشید و نگرش‌ها را تغییر داد. در جوامع اسلامی این تغییرات باید براساس معرفی سیاست‌های زیست‌محیطی مبتنی بر تعالیم اسلامی بنا شده باشد. به این منظور لازم است نظام آموزشی راهکارهای عملی را با توجه جدی به عقاید اسلامی و آگاهی‌های زیست‌محیطی به سیاست‌های خود بیفزاید.

منبع:
Ethics

Louis.P.Pojman-Environmental
-Australia-Wadsworth-2000